

امکان سنجی انطباق جرم «بغی» بر جنگ نرم در فقه اسلامی*

آرش غریبی (نویسنده مسئول)**

روح الله اکرمی***

چکیده

در بیان فقهای اسلامی، اقدامات مسلحانه گروهی در برابر حکومت اسلامی «بغی» نامیده شده است. هر چند عنوان «بغی» در قانون مجازات اسلامی تازگی دارد، بحث آن در فقه کاملاً شناخته شده است. احکام مربوط به بغی از دیرباز در کتاب‌های فقهی و در ضمن مباحث جهاد مطرح بوده است، لیکن گونه دیگری از تهدیدات علیه حکومت اسلامی وجود دارد که اصطلاحاً جنگ نرم گفته شده است. حال سؤال این است که اشخاص مرتکب تهدیدات نرم در برابر اساس نظام اسلامی، مشمول عنوان بغی خواهند بود؟ با روش تحلیلی، توصیفی در قالب مطالعه و تتبع در آیات و روایات و دیدگاه فقهای معاصر و متأخر و آنچه از منابع معتبر و فتاوی فقهای اسلامی به دست می‌آید، به نظر می‌رسد که انطباق دو عنوان مذکور بر یکدیگر، با لحاظ شرایط فقهی مندرج در مباحث مربوط به بغی می‌توان حالت‌هایی را متصور بود که در برخی از صور جنگ نرم، افراد مرتکب را مشمول جرم بغی دانست و احکام بغات را بر آنان اعمال نمود.

کلید واژه‌ها: اقدامات مسلحانه، فقها، تهدیدات، بغی، جنگ نرم.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ - نوع مقاله: علمی - ترویجی.
** دانشجوی دکتری گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (arashghariby@gmail.com).
*** دانشیار، گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (r.akrami@qom.ac.ir).

جرم «بغی» از جمله جرایمی است که در مقابله با کسانی که حکومت اسلامی را مورد تعرض قرار می‌دهند، اعمال می‌گردد. حسب نظر صاحب‌نظران، «بغی» در قالب یک اقدام سازماندهی گروهی و به صورت مسلحانه واقع می‌شود. امروزه برای اقدام علیه حکومت‌ها علاوه بر اقدامات مسلحانه روش‌های جدید به کار گرفته می‌شود که هر چند اقدامات محسوس مادی کمتر در آن‌ها دیده می‌شود، ولی مستقیم یا غیر مستقیم منجر به ساقط شدن حکومت‌ها می‌گردند که اصطلاحاً به جنگ نرم مشهورند. در این نوع از جنگ به جای ابزارهای جنگی متعارف (سخت) از ابزارهای فرهنگی (نرم) تأثیرگذار بر فکر، اندیشه، عواطف و احساسات انسانی استفاده می‌شود.

محرومیت شیعه از تشکیل حکومت موجب شده است که به بخش‌های اجتماعی و حکومتی فقه توجه جدی نشود و از توسعه لازم بر خوردار نگردد، اما اینک با تشکیل حکومت شیعی در ایران، بازکاوی بخش‌های سیاسی، اجتماعی فقه، ضرورتی مضاعفی یافته است. یکی از مسائل مهم در این حوزه، چگونگی حراست از حکومت اسلامی در مقابل تهدیدات سخت و نرم می‌باشد. تهدیداتی که در حقوق داخلی عنوان «بغی» به خود می‌گیرد و بررسی زوایای آن بر اساس شرایط زمان از سوی پژوهشگران امری ضروری است.

این پژوهش گامی است در تبیین هر چه بیشتر موضوع و واکاوی ابعاد مغفول مانده موضوع بغی، نشان دادن کارآمدی فقه در اداره حکومت و تضمین حقوق مردم به ویژه مخالفان، و در عین حال حفظ و حراست قاطعانه از حکومت مشروع دینی.

درباره بغی و جنگ نرم، نوشته‌های متعددی به صورت جداگانه در قالب کتاب و مقاله به نگارش درآمده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

مقاله «بررسی جرم بغی در فقه امامیه و حقوق ایران» (نوشته اسماعیل رحیمی نژاد و محدثه صفرخانی، که در مجله حقوق اسلامی (۱۳۹۳) منتشر شده است.

مقاله «بررسی جرم بغی در فقه مذاهب اسلامی و تطبیق آن با قوانین مجازات اسلامی» (مصوب ۱۳۹۲)، نوشته مجید وزیری و جبار محمدی بلبان‌آباد، که در مجله فقه مقارن منتشر شده است.

مقاله روح‌الله احمدزاده کرمانی با عنوان «درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسلامی»، که در شماره ۴۳ فصلنامه مطالعات بسیج (۱۳۸۸) منتشر شده است.

مقاله «بررسی جنگ نرم در آیات قرآن»، نوشته عبداللهی وجدی، منتشر شده در شماره ۱۵ فصلنامه علمی، پژوهشی مطالعات تفسیری (۱۳۹۲).

نکته‌ای که در این باره وجود دارد این است که در هیچ کدام از مقالات و نوشته‌های موجود به تطبیق این دو عنوان پرداخته نشده است، لذا در این مقاله این دو عنوان را از این منظر مورد بررسی قرار داده‌ایم.

امروزه دولت‌ها به علت هزینه زیاد جنگ‌های مسلحانه، به روش‌های پیچیده‌ای از جمله جنگ نرم به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد صورت‌هایی از جنگ نرم می‌تواند مشمول جرم بغی باشد. برای واکاوی این موضوع، سؤالاتی به ذهن متبادر می‌شود از جمله اینکه، با توجه به نگاه شارع مقدس، آیا می‌توان صوری از جنگ نرم را از مصادیق جرم بغی تلقی کرد؟ و اینکه آیا باغی بودن مرتکبین جنگ نرم از میان آیات و روایات و سنت نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام و اقوال فقها قابل استناد است؟

بدین منظور ابتدا به بررسی تعاریف مرتبط با موضوع مقاله پرداخته شده و سپس در بخش دوم، ادله جرم بغی مورد کنکاش قرار داده شده و در نهایت شرایط فقهی ناظر بر بغی و امکان‌سنجی انطباق آن‌ها بر جنگ نرم مورد مذاقه قرار می‌گیرد.





۱. مفهوم جنگ نرم

در خصوص موضوع مورد بحث علاوه بر تبیین تعریف جنگ نرم، نیاز به شناختی دقیق از شیوه مداخله اشخاص در وقوع جرم مبتنی بر آورده‌های فقهی و حقوقی است.

۱.۱. تعریف جنگ نرم

با کاوشی در میان منابع موجود آنچه به وضوح دیده می‌شود، کثرت تعاریف مفهوم جنگ نرم در میان صاحب‌نظران و محققان این حوزه است. (جلال‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۶ و ۱۳۳؛ انصاری، ۱۳۸۶؛ عبدالمهی و جدی، ۱۳۹۲: ۱۱۹؛ ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۶: ۷۴۵۷؛ احمدزاده کرمانی، ۱۳۸۸: ۴۴؛ عیوضی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۰)

به علت پیچیده بودن عملیات جنگ نرم به منظور یافتن مفهوم و تعریف دقیق، می‌بایست آن را از میان چندین رشته علمی جستجو کرد. مفهوم جنگ نرم که در برابر جنگ سخت به کار می‌رود، دارای تعریف واحدی نیست که مورد پذیرش همگان باشد و تلقی و برداشت افراد، جریان‌ها و دولت‌های گوناگون از جنگ نرم تا حدی متفاوت است. همچنین در برخی از تعریف‌ها مرز بین جنگ نرم، عملیات روانی، قدرت نرم و تهدید نرم مشخص نیست. (نائینی، ۱۳۸۹: ۵)

شاید بتوان جوهری‌ترین و کلیدی‌ترین عناصر مفهومی جنگ نرم را در قالب چهار مفهوم پلورالیزم، هژمونی، مدیریت ادراکات و مدیریت احساسات، طبقه‌بندی کرد. به نظر می‌رسد چنانچه راهبرد جنگ نرم بتواند از طریق مدیریت ادراکات و سیطره بر ذهن و عقل جامعه هدف و ایجاد نوعی اقلان، زمینه‌های تبدیل یقین به شک در مجموعه سیستم باور (هنجارها، ارزشها، اخلاق، باورها و آداب و سنن) را به وجود آورد یا به واسطه مدیریت احساسات و سیطره بر روان و قلب جامعه هدف و ایجاد نوعی ارضاء، زمینه‌های تبدیل حب به بغض را در مجموعه سیستم ساختاری (حکومت، نظام رفاه و تأمین اجتماعی و اقتصادی، نظام توزیع قدرت رسمی و غیر رسمی) خلق کند، به تدریج زمینه‌های

جایگزینی باورهای آلترناتیو و اعتقاد به الگوهای ساختاری بدیل در ذهن و روان مخاطبان جامعه هدف، تکوین و تقویت شده و در عمل، گفتمان رایج و غالب، ناکارآمد جلوه کرده و مجبور به انفعال در مواجهه با پادگفتمان جدید (گفتمان نظام سلطه) خواهد شد.

این امر، یعنی تحقق تکثرگرایی معرفتی، دینی، سیاسی و اقتصادی در جامعه هدف و نتیجه قهری تحقق حداکثری تکثرگرایی، تعیین یافتن هژمونی حداکثری نظام سلطه سرمایه‌داری در ابعاد سلطه نسبت انگاری اخلاقی، اباحه‌گرایی مذهبی، سکولاریزم سیاسی و مصرف زدگی اقتصادی است.

بدیهی است این فرایند پیچیده، محتاج شکل‌گیری جنگ رسانه‌ای، اطلاعاتی، علمی، سایبری و عملیات روانی است تا بتواند در مدت زمانی معین، زمینه‌های فروپاشی فرهنگی، هویتی و سیاسی، اقتصادی را فراهم آورد و پس از محقق کردن راهبرد تعدیل رفتار، به تدریج راهبرد تغییر رفتار و تغییر ساختار را نیز فراهم آورد. (احمدزاده کرمانی، ۱۳۸۸: ۵۰)

نکته‌ای که وجود دارد این است که عبارت پیش گفته نباید این تلقی را به وجود آورد که صرفاً اقدامات ذهنی می‌تواند ذیل مفهوم جنگ نرم قرار گیرد، بلکه اقداماتی از قبیل اعتراض خیابانی یا اعتصابات و سایر اقدامات غیر خشونت‌آمیز نیز می‌تواند مشمول عنوان جنگ نرم قرار گیرد. در جنگ نرم هر اقدامی که بتواند حکومت را در مسیر استحاله قرار دهد یا حتی تغییر رویکرد مطلوب در تصمیم سیاسی می‌تواند یک روش جنگ نرم باشد، لذا روش‌های جنگ نرم صرفاً ذهنی نبوده و دربرگیرند روش‌های مادی نیز می‌باشد.

نهایتاً اینکه جنگ نرم محصول یک فرایند آرام، تدریجی و بسیار پیچیده است که با لایحه‌های فکری متعدد روانشناسی، سیاسی، اجتماعی در هم تنیده شده است و در امتداد خط باریک حق و باطل و درستی و غلط بودن در حرکت است.

جنگ نرم، ظاهری غیرخشونت‌آمیز، در لباسی زیبا در میدان خود نمایی می‌کند و جهت افناع ذهنی و تصرف قلوب از شیوه و ابزارهای به روز استفاده می‌نماید و



هیچ گونه محدودیتی را در هیچ زمان و مکانی برای خود قائل نیست. جامعه هدف جنگ نرم بسیار فراگیر و دارای هیچ محدوده سنی نیست و هدف آن فروپاشی نظام هدف و یا تغییر اولویت ها و یا دگرگونی اهداف آن نظام است.

2. ۱. تفاوت تحریک به جرم با مباشرت

شیوه مداخله در جرم به سه صورت مباشرت، سبب و شرط است. (علامه حلی، ۱۴۲۷: ۲/۲۴۰) مباشر کسی است که مستقیماً علت جرم را ایجاد می کند، لذا مباشر را کسی دانسته اند که اتلاف به او نسبت داده می شود ولو به ایجاد علت به وی صادق باشد. (نجفی، ۱۳۶۳: ۴۲/۴۳)

در تعیین ضابطه برای تعیین مباشر در وقوع جرم، صاحب جواهر موردی را بیان می دارد که می توان شاخصه تعیین کننده ای برای افتراق سه حالت فوق باشد: «مباشر به کسی گفته می شود که نزدیکترین علت جنایت (وقوع جرم) را فراهم می آورد». (همان: ۱۳/۴۱)

بنابراین مباشرت قوی ترین نحوه مداخله در وقوع زیان یا ارتکاب جرم است. واژه «مباشر» در ادبیات حقوقی، مشترک لفظی است و به دو معنا به کار می رود؛ مباشر گاه در یک تقسیم بندی سه گانه، قسیم معاون و شریک است و گاه در یک تقسیم بندی دوگانه، قسیم سبب است. به همین دلیل اگر کسی به تنهایی چاهی حفر کند تا دیگری در آن سقوط کند، بر اساس تقسیم بندی سه گانه، مباشر و بر اساس تقسیم بندی دوگانه، سبب است. (قیاسی و ساریخانی، ۱۳۹۵: ۳/۲۲) اما در خصوص «شرط»، اینکه برای وقوع هر پدیده مجرمانه ای منوط به وجود شرایطی است که زمینه های ارتکاب آن را فراهم می سازد. در واقع شرط آنچنان امری است که از عدم آن عدم وجود معلول لازم می آید، لیکن از وجود آن وجود معلول لازم نمی آید. ظهور شرط در قالب مباحث حقوق در جامعه معاونت در جرم (گناه) مجسم می شود.

برای نمونه به برخی از این تعاریف اشاره می شود:

انجام برخی از مقدمات فعل دیگری به قصد حصول و تحقق آن فعل. (شیخ مرتضی انصاری، بی تا: ۱۶)

صدور فعل یا عملی از معاون که دخالتی در تحقق و حصول یا تکمیل گناه داشته باشد. (احمد نراقی، ۱۳۷۵: ۷۵)

سید عبدالفتاح مراغی می گوید:

بدیهی است که افعال مردم با یکدیگر ارتباط دارد، اما هر چیزی که در فعل دیگری دخالتی داشته باشد معاونت نیست، زیرا اگر چنین بگوییم، حتی خداوند نیز در جرایم ما معاون خواهد بود، زیرا همه آلات و اسباب از خداوند است». (مراغی، ۱۴۱۷: ۵۶۶)

نمونه‌های دیگر از تعریف معاونت عبارت‌اند از:

مفهوم عرفی معاونت، ایجاد مقدمه گناه است ولو آنکه خود گناه تحقق نیابد. (امام خمینی، ۱۴۱۰: ۲۵/۱۰)

کمک نمودن به گناهکار در گناهی که از او صادر می شود. (بجنوردی، ۱۳۸۹ق: ۳۰۸)

در بیان فقها علاوه بر عنصر مادی و روانی که شامل قصد و علم معاون در یاری رساندن به مباشر گناه است، از مفهومی تحت عنوان «صدقی عرفی» صحبت به میان آمده است. محقق اردبیلی می گوید:

معاون یا باید قصد داشته باشد یا به گونه‌ای عمل کند که عرفاً بگویند وی قصد داشته است. مثلاً اگر ظالمی از وی عصا بخواهد تا دیگری را بزند و او بدهد، عرفاً می‌گویند قصد داشته است، ولو اینکه وی راضی به این کار نباشد. (محقق اردبیلی، بی تا: ۲۹۷)

شیخ انصاری این سخن وی را پذیرفته (مرتضی انصاری، بی تا: ۱۰۸) و میرفتاح نیز می گوید:





برای تحقق معاونت، دو ضابطه هست؛ یا باید قصد ترتب (تحقق) معصیت را داشته باشد یا آنکه عملش چنان نزدیک به معاونت و مختص به آن باشد که معاونت شمرده شود، ولو قصد نداشته باشد. (مراعی، پیشین: ۵۶۵)

بنابراین از دیدگاه برخی از فقها رفتارهای که نوعاً معاونت در جرم باشد، می‌تواند مشمول مجازات است.

یکی از مصادیق معاونت تحریک به جرم (گناه) است. تحریک به جرم در بسیاری از موارد شرط وقوع جرم است. تحریک به عنوان عنصر اصلی در تکوین جرم نقشی ندارد، اگر چه ضرورتاً با انتفاء تحریک حدوث جرم نیز منتفی خواهد شد. «تحریک»، کلمه‌ای عربی از باب تفعیل و به معنای ایجاد حرکت در کسی یا چیزی است و اصطلاحاً هر گونه رفتار یا گفتاری را که موجب قصد و انگیزه ارتکاب جرم در دیگری شود، تحریک می‌توان نامید.

عمده‌ترین تمایز میان محرک و مباشر این است که مباشر در عملیات اجرایی (عنصر مادی) دخالت داشته، درحالی که محرک تنها در ایجاد انگیزه در مباشر یا شریک جرم یا در کمک به وقوع جرم ایفای نقش می‌نماید. گاهی مرز میان شریک و معاون روشن نیست؛ برای مثال، کسی که مقتول را نگه می‌دارد تا قاتل وی را به قتل برساند گاه شریک و گاهی معاون تلقی گردیده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۴۹/۷) لذا تلقی اینکه همه موارد معاونت با سایر عوامل دخیل در وقوع جرم دارای قاعده مشخص در فقه باشد، متصور نیست، ضمن اینکه در حقوق عرفی مواردی از صور معاونت به عنوان مباشر تلقی شده و مجازات مستقل جرم را دارند.

۲. مفهوم‌شناسی جرم بغی و ارکان آن

در ذیل در دو قسمت، ابتدا به تعریف جرم بغی از منظر فقها امامیه و اهل سنت و در قسمت دوم به بررسی ادله فقهی جرم بغی پرداخته می‌شود.

۲.۱. تعریف بغی

«بغی» در لغت دارای معنای متعددی چون طلب شدید (ابن فارس ۱۴۱۵: ۱/ ۲۷۱)، تجاوز و کبر (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/ ۲۳۲)، ظلم (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱/

۱۸۱)، فاسد کردن (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۷۲) و گفته‌اند در اصل حسد ورزیدن است. (ازهری، بی تا: ۱/ ۳۶۷)

جوهری در صحاح (جوهری، ۱۴۲۰: ۲/ ۱۶۶۲) و ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/ ۷۸) در ذیل معنای «تعدی و تجاوز» قاعده‌ای به دست داده‌اند که بسیاری از استعمالات بغی را شامل می‌شود. ابن منظور بیان می‌دارد: «اصل بغی تجاوز از حد و اندازه است و به طور کلی هر تجاوز و زیاده روی بر مقداری که حد و اندازه چیزی واقع شده باشد، بغی است». با این نگاه اکثر استعمالات بغی، تجاوز از حد می‌باشد.

در خصوص مفهوم اصلاحی بغی، اغلب فقهای شیعه بغی را در «کتاب الجهاد» مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. به طور کلی می‌توان تعاریف ارائه شده در خصوص مفهوم بغی را در سه گروه دسته‌بندی نمود؛ گروه اول مانند محقق حلی در تعریف بغی می‌گوید: «کل من خرج علی امام عادل و نکث بیعت و خالفه فی احکامه فهو باغ». (علامه حلی، بی تا: ۱/ ۱۵۵)

در این گروه، علاوه بر خروج از بیعت امام، می‌بایست شکستن بیعت و مخالفت با احکام نیز داخل بر فعل مجرمانه بغی دانست. گروه دوم خروج از طاعت امام عادل را بغی می‌داند. شهید ثانی در تعریف بغی بیان می‌دارد: «و فی عرف الفقها الخروج عن طاعة الامام علی الوجه الآتی». (شهید ثانی، ۱۴۱۰: 91)

گروه سوم در تعریف بغی بیان داشته‌اند که خروج بر امام عادل جرم بغی نامیده می‌شود. شهید اول در لعمه (شهید اول، ۱۴۱۰: ۸۳)، قطب راوندی در فقه القرآن (قطب راوندی، ۱۴۰۵: ۱/ ۳۶۳)، مقدس اردبیلی در مجمع الفائده (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۷/ ۵۲۴)، آیت الله خویی در منهاج الصالحین (خویی، ۱۴۱۰: ۱/ ۳۸۹) و محمد جواد مغنیه در فقه الامام الصادق علیه السلام (مغنیه، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۷۳) این قول را پذیرفته‌اند.

همین تعبیر در بیان فقهای اهل سنت نیز وجود دارد. در کتاب «تبيين الحقایق» (الزلیعی، ۱۴۲۰: ۸/ ۴۷۰) از فقهای حنفی خروج بر امام حق را بغی





می‌داند. در فقه شافعی در تعریف بغی آورده شده است: «خروج عن الامام الاعظم القائم بخالفه النبوه فی حراسه الدین و سیاسه الدنیا». (الطبلاوی، بی تا: ۳۸ / ۳۸) یا در مذهب مالکی بیان شده است: «الباغیه فرقه خالفت الامام لمنع حق او لخلعه» (المواق، ۱۴۱۶: ۱۲ / ۳۲) و ابن مفلح از مذهب حنابله در تعریف بغی آورده است: «الخارجون عن الامام بتاویل سائغ و لهم شوکه».

با توجه به تعاریف فوق توضیح این نکات لازم است که اولاً واژه خروج گاهی با حرف «من» و «عن» و گاهی نیز با «علی» می‌آید که به این معنای خروج از حاکمیت و خروج بر علیه حاکمیت بیان شده است. تفاوت این دو معنا در آنجاست که در اولی صرف خروج باغی خواهد بود و در دومی زمانی بغی محقق می‌شود که بر علیه حاکم قیامی صورت گرفته باشد.

ثانیاً با نگاهی به متن ارائه شده از سوی فقهای چون شیخ طوسی، ابن ادریس و سایرین به نظر می‌رسد که این تفاوت ناشی از اختلاف تعبیر باشد و نظر به شرایطی که فقها در بیان تحقق بغی آورده‌اند می‌بایست خروج بر حاکمیت صورت بگیرد.

ثالثاً بر اساس تعاریف فوق، خروج مسلحانه محل نظر و تأمل و مذاقه است. بدین توضیح که «خروج» در لغت به معنای تمرد و نافرمانی است. در اصطلاح فقهی، خروج به معنای قیام یا شورش مسلحانه و جنگ همراه با کشتار و خونریزی است. راوندی در «فقه القرآن» چنین می‌گوید: «الباغی هو من قاتل اماماً عادلاً». (راوندی، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۶۳)

عده‌ای صرف قیام را برای جرم بغی کافی دانسته‌اند، بدون آنکه نیاز به استفاده از اسلحه باشد (سبزه علی گل و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۴-۵۵؛ حسین نژاد، ۱۳۹۸: ۶۳) و با تردید در خصوص قیام مسلحانه، به روایات و اقوال فقهای چون فاضل آبی (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۱۸) و یا سید علی طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۳) یا علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲ / ۲۲۹) احتجاج نموده‌اند.

در مقابل این نظر، دیدگاهی وجود دارد که شرط مسلحانه بودن قیام باغیان نزد فقها را مسلم و مسجل دانسته است (میرخلیلی، ۱۳۹۵: ۱۵۱) و به اقوال فقهی چون

ابوصلاح حلبی، شیخ طوسی، ابن ادریس و... اشاره کرده است. (ابوصلاح، ۱۴۰۳: ۲۴۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱۵/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳۰۷/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۳۹۱/۹)

با در نظر گرفتن اینکه مجازات بغی مجازات بسیار سنگینی می‌باشد و حسب اینکه این جرم را بر اساس قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) ذیل جرایم حدی قرار داده شده است و توجه به اصول حفظ و احتیاط در دماء و قاعده تخفیف در حدود و سایر اصول مصرح در حدود وجود شرط مسلحانه با قواعد سازگاری بیشتری داشته و خروج این شرط نیازمند دلیل متقنی می‌باشد، لیکن امروزه با توجه به شیوه‌های نوین جنگیدن، به جنگ مادی و سخت، جنگ‌های نرم نیز اضافه گردیده است. اهمیت این گونه جنگ‌ها در این است که از مرحله اعتراض ساده خارج می‌شود و به نوعی زمینه‌ساز حرکت‌هایی می‌شود که مبانی و اساس و موجودیت نظام مشروع اسلامی را هدف قرار می‌دهد. حال با این سؤال روبه‌رو هستیم که جنگ نرم ذیل عنوان قتال به مفهوم فقهی آن قرار می‌گیرد یا خیر؟

به نظر می‌رسد آنچه تهدیدات نرم را ذیل عنوان اقدامات مسلحانه توجیه می‌کند، گروهی و تشکیلاتی عمل کردن باغیان علیه حکومت است. به دلیل اینکه اگر اقدامات باغیان با تقسیم کار همراه باشد می‌توان حتی افرادی را که مستقیماً دست به اسلحه نبرده‌اند، در صورت وجود شرایطی ذیل عنوان اقدامات مسلحانه قرار داد.

۲.۲. ادله ناظر بر بغی

در مقام بررسی ادله مربوط به بغی که شرایط لازم برای تطبیق با عنوان جنگ نرم را دارد یا خیر، به مستندات قرآنی و روایی با لحاظ اصل موجز و مختصر بودن در این باره اشاره می‌شود.

۲.۲.۱. مستندات قرآنی

برای پی بردن به این سوال اصلی که آیا جنگ نرم با مفهوم بغی مبتنی بر آیات قرآن کریم قابل تحقق است، آیه ۹ سوره حجرات همان آیه‌ای است که بسیاری از فقها آن را اساس مفهوم جرم بغی گرفته‌اند.





«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹).^۱

این آیه مهم ترین مستند جرم بغی است که فقها و مفسران در مورد آن بسیار بحث کرده اند. این آیه شامل درگیری میان تمامی گروه های مسلمان از جمله درگیری دو دولت اسلامی، دو گروه غیر دولتی، یک درگیری دولت با غیر دولتی و بالعکس می شود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/ ۲۰۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸/ ۱۰۴) لذا قیام براندازانه یک گروه علیه حکومت اسلامی صرفاً یکی از صور آیه است. هر چند فاضل مقداد (فاضل مقداد، بی تا: ۱/ ۳۷۶) معتقد است این آیه مشمول باغی به مفهوم اصطلاحی نمی شود چرا که در خصوص دو گروه مؤمن صحبت شده است در حالی که باغیان از نظر ماکافر هستند.

صاحب تفسیر نمونه بیان می دارد:

بحثی که در آیه ۹ سوره حجرات مطرح است مطلب دیگری است و آن نزاع و کشمکش هایی است که در میان دو گروه از مؤمنان رخ می دهد و در آن نه قیام ضد امام معصومی است و نه قیام ضد حکومت صالح اسلامی مطرح است. هر چند بعضی از فقها یا مفسران خواسته اند از این آیه در مسئله سابق نیز استفاده کنند، ولی به گفته فاضل مقداد در کنزالعرفان این استدلال خطاست، چرا که قیام ضد امام معصوم موجب کفر است در حالی که نزاع میان مؤمنان تنها موجب فسق است نه کفر، لذا قرآن مجید در آیات فوق هر دو گروه را مؤمن و برادر دینی یکدیگر نامیده است. به این ترتیب احکام اهل بغی را نمی توان به اینگونه افراد تعمیم داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷۰-۱۶۹)

۱. هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، میان آن ها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آن ها بر دیگری تجاوز کند با طایفه ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد. هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد) در میان آن دو طبق عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.



اما برخی دیگر از فقها، نظیر علامه حلی، شیخ طوسی و قاضی ابن براج این آیه را دال بر جرم بغی می‌دانند. (علامه حلی، ۱۴۱۹؛ شیخ طوسی، بی‌تا: ۲۶۲؛ ابن‌براج طرابلسی، ۱۴۰۶: ۳۲۲)

فارغ از اینکه محل نزاع در خصوص آیه ۹ سوره حجرات دلالت بر جرم بغی دارد یا خیر؟ ظاهر آیات دلالت بر درگیری فیزیکی میان دو گروه از مسلمان است. جنگ نرم دربرگیرنده اقداماتی است که غالباً ارتباط مستقیم با درگیری نداشته و صرفاً زمینه‌ساز وقوع جرم بغی است. بنابراین دلالت آیه بر فرض اینکه بر بغی صادق باشد زمانی در خصوص تهدیدات نرم قابل استناد است که این تهدیدات در قالب گروه باشد و اقدام‌کنندگان به تهدیدات نرم در قیام مسلحانه نیز شرکت نمایند.

برخی دیگر از مفسرین معتقدند آیات ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۷۳ از سوره توبه دلالت بر وجود بغی دارند. (طبرسی، ۱۳۵۱: ۳۱-۳۰)

نکته مهم در خصوص آیات مربوط به سوره توبه این است که صراحت بیشتری برای انطباق با جرم بغی دارد. خداوند در آیه ۱۲ سوره توبه می‌فرماید: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه: ۱۲).^۱

مبارزه در مقابل عهد پیمان شکنان مفهومی است که بیشتر با مفهوم جرم بغی سازگار است. مخصوصاً اینکه این آیات خطاب به مؤمنین بیان شده و آنکه عده‌ای عهدشکن بعد از اینکه ولایت الله را قبول نموده و قسم یاد نمودند، پیمان و قسم شکسته‌اند.

گفتنی است امیر مؤمنان این آیه را در پیکار بصره خواند و فرمود: أما واللّه لقد عهد الی رسول الله ﷺ و قال لی: یا علی لتقاتلنّ الفئة الناکثة و الفئة الباغیة و الفئة المارقة.

۱. و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند و آیین شما را مورد طعن قرار دهند با پیشوایان کفر پیکار کنید، چرا که آن‌ها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند.



هان ای مردم! بهوش باشید: به خدای سوگند که پیامبر گرامی ضمن وصیت خویش به من فرمود: هان ای علی! تو با گروه پیمان شکن و گروه تجاوزکار و بیداد پیشه و گروه از دین بیرون رفته و قانون ستیز پیکار خواهی کرد.

به نظر می‌رسد در آیات سوره توبه، نقاط مشترکی برای تطبیق مفهوم جنگ نرم و جرم بغی وجود داشته باشد. دو واژه «عَهْدِهِمْ» و «طَعْنُوا» در آیه ۱۲ سوره توبه بیانگر دو موضوع مهم است؛ اول عهد و پیمان را شکسته‌اند و دوم اینکه، مرتکب فعل عیب‌جویی شده‌اند که در واژه «طعنوا» مستتر است. یکی از شرایط حاکم در مفهوم جنگ نرم تضاد آفرینی بود، یعنی انگشت اشاره به سمت نقاطی که در جامعه گسل می‌باشد و عیب‌جویی، ابزاری جهت اختلاف‌افکنی می‌باشد. این گسل‌ها، همان گلوگاهی است که در جرم بغی نهایتاً منتهی به مشتبه شدن حق و باطل می‌شود. برخی از این شکاف‌ها و تضادها، در قالب قومیت‌گرایی، جنسیت، آسیب‌های اقتصادی مثل فقر، شکاف طبقاتی و بیکاری، مذهب، شکاف دولت و ملت، فساد افسارگسیخته، گسل سیاسی و ساختاری، گسل حاشیه‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی، گسل قومی و فرقه‌ای و بحران آب، خشکسالی و محیط زیست، بحران بین نسلی، نسلی و... خود نمایی می‌کند. (خلیلی، ۱۳۹۴: ۵۹)

۲.۲.۲. مستندات روایی

درباره آیه ۹ سوره حجرات و اشاره به این آیه به عنوان مبنای قرآنی بغی، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرموده‌اند: «خداوند متعال، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با پنج شمشیر مبعوث نمود. سه شمشیر از آن‌ها بیرون از غلاف است و داخل غلاف نمی‌شود، مگر اینکه جنگ به پایان رسد و شمشیری که پنهان است و آن بر اهل بغی بیرون کشیده می‌شود». سپس حضرت آیه شریفه (حجرات: ۹) را تلاوت کردند و چنین فرمودند: زمانی که آیه شریفه نازل شد، از میان شما کسی است که بعد از من بر تأویل قرآن می‌جنگد، همان‌طور که من بر تنزیل آن جنگ نمودم. سؤال شد که آن شخص کیست؟ حضرت فرمودند: او کسی است که در حال تعمیر کردن کفش است و منظور ایشان، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام بود. (کلینی، ۱۴۲۹: ۵/۱۰؛ ابن‌بابویه: ۱۳۸۲: ۲۷۴)



اما برخی تأویل و وجود شبهه را در تعریف بغی آورده و بیان داشته‌اند گروه باغی باید برای خود تأویل داشته باشد، یعنی افراد گروه باغی باید بر اساس توجیه و تفسیر و اعتقادی که مورد قبول آن‌هاست و آن را جایز می‌شمارند از امام جدا شده و در برابر او صف کشیده باشند و بدون وجود این شرط آن‌ها باغی محسوب نمی‌شوند، بلکه قطاع‌الطریق و در حکم محارب‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۷/ ۲۶۵-۲۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲/ ۲۲۹) لذا شاید از جنبه‌هایی نقطه تلاقی بین دو مفهوم بغی و جنگ نرم را در تأویل جستجو کرد. تأویل به معنی تفسیرهای متعدد از آیات به اشکال مختلف است و مفهوم پلورالیسم که ابزاری مهم در جنگ نرم برای جابه‌جایی حق و باطل می‌باشد به معنای تفاسیر و نظرات متعدد از یک مفهوم می‌باشد.

دو واژه مشترک در این مفاهیم می‌باشند. نکته‌ای که در این خصوص باید عنوان نمود این است که بین تأویل و نظرات افراد در امور حکومتی باید قائل به تمایز شویم، چرا که تالی فاسد آن این خواهد بود که هر گونه اظهار نظر در خصوص مسائل جاری حکومتی با عنوان بغی مواجه خواهد بود. بنابراین پذیرش این موضوع که صرف افکار متفاوت در خصوص حکومت و حتی تأویل متفاوت نمی‌تواند از جمله شرایط جرم بغی دانست. جرم بغی محصول یک کنش ملموس بیرونی است و موارد ذهنی صرف نمی‌تواند دربرگیرنده عنوان بغی باشد. در تأیید این مطلب صاحب جواهر بیان داشته است از برخورد امام علی علیه السلام با اهل جمل و صفین خلاف این شرط برداشت می‌شود، زیرا اهل جمل و صفین برعکس خوارج تفسیر و توجیهی برای خود نداشتند و بی‌هیچ شبهه‌ای می‌دانستند حق با امام است و با وجود این، در مقابل حضرت صف کشیدند. پس اگر جنگ جمل و صفین در نظر گرفته شود باید گفت از شرایط جاری شدن احکام بغی، عدم وجود شبهه و تأویل در ذهن گروه باغی است نه اینکه وجود آن شرط دانسته شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱/ ۳۳۳)

مفهوم «تأویل» در متن اولیه لایحه قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۸۸ (۲۸۷ فعلی) این طور تنظیم شده بود: «گروهی که بر مبنای نظریه سیاسی در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند...». عبارت «بر مبنای نظریه



سیاسی» در واقع به همین شرط مورد اختلاف اشاره داشت که شورای نگهبان آن را خلاف موازین شرع شناخت و بنابراین از متن قانون حذف شد. ظاهراً فقهای شورای نگهبان در ایراد به این شرط به عدم وجود دلیل شرعی برای این شرط و در مقابل، استدلال درست صاحب جواهر که مورد اشاره قرار گرفت، توجه داشته‌اند. (میرخلیلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۴)

با در نظر گرفتن این مطلب که جنگ نرم هر چند واژه جدیدی در ادبیات سیاسی می‌باشد، ولی شیوه‌ها و روش‌های به‌کاررفته در آن دارای پیشینه‌ای به قدمت جنگ‌های سخت است.

ادبیات روایی نیز مانند آنچه در فوق آورده شد هر چند صراحتی در وقوع جنگ نرم ندارد، ولی موضوعات مطروحه، این امر را تداعی می‌کند که روش‌های مختلف جنگ نرم مانند وقایع زمان حضرت علی علیه السلام نقش به‌سزایی در وقوع جنگ سخت علیه آن حضرت داشتند. مذاقه در بیانات حضرت در خصوص هر جنگ جمل، صفین و نهروان نشانه‌هایی دارد که تعریف گروه باغیان می‌تواند تفسیر موسعی داشته باشد و کنشگران اصلی وقایع هر چند مستقیماً در جنگ مسلحانه حضور نداشتند ولی از مصادیق باغی شناخته شدند.

مؤید این مدعا بیان امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: تأویل این آیه (آیه ۹ سوره حجرات) در جنگ جمل روشن گردید. اصحاب جمل مصادیق این آیه بودند که بر امیرالمؤمنین علیه السلام قیام کرده بودند. به همین دلیل جنگ با آن‌ها تا زمان بازگشتشان به پذیرش اوامر الهی واجب بود. اگر به این راه باز نمی‌گشتند، بر اساس حکم قرآن، امام علی علیه السلام می‌بایست تا زمان بازگشت به راه راست با آن‌ها می‌جنگید و لحظه‌ای دست از جنگ بر نمی‌داشت، زیرا آن‌ها به اراده خودشان و بدون هیچ اجباری با او بیعت کرده بودند. آن‌ها همان گروه سرکش و نافرمان مذکور در این آیه هستند. به همین دلیل وظیفه امام علی علیه السلام آن بود که در هر جا که به آن‌ها دست می‌یافت، بر اساس عدالت با آن‌ها رفتار کند. همچنان که رسول خدا نیز درباره مردم مکه راه عدالت را در پیش گرفت و با منت‌نهادن بر آن‌ها، ایشان را مورد عفو خویش قرار

داد. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز پس از پیروزی بر سپاهیان جمل دقیقاً رفتاری مانند رفتار پیامبر در مقابل مردم مکه در پیش گرفت. (محدث نوری، بی تا: ۱۱/۶۶)

۳. شرایط فقهی ناظر بر بغی و امکان سنجی انطباق آن‌ها بر جنگ نرم

وجود شرایط خاص پیش گفته در جنگ نرم و مطابقت شرایط و احوالات حاکم بر جرم بغی نیازمند دقت نظر خاصی است. بدین منظور شرایط جرم بغی را با جنگ نرم مورد مذاقه قرار داده شده است تا زوایای مختلف این دو مفهوم آشکار و نمایان گردد.

۱. مسلمان بودن باغیان: با توجه به تعریف فقهای اسلامی از بغی، باغیان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد؛ باغیانی که ضد امام معصوم خروج می‌کنند و باغیانی که با غیر امام معصوم می‌جنگند. (مجلسی، بی تا: ۳۲/۳۲۵-۳۲۴؛ خویی، بی تا: ۱/۳۶۱)

از این دو گروه، فقهای امامیه باغیانی را که بر امام معصوم خروج کنند خارج از اسلام و کافر شمرده‌اند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۹: ۷/۵۲۴؛ بحرانی، بی تا: ۳/۴۲۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۷/۲۶۴) اما باغیانی که بر غیر امام معصوم خروج کنند، کافر نمی‌شوند. (مجلسی، بی تا: ۳۲/۳۲۹-۳۲۸) و برخی از فقیهان و مفسران امامیه تنها همین گروه را مصداق آیه ۹ حجرات دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۱۶۹ و ۱۷۲؛ خویی، بی تا: ۱/۳۶۱؛ فاضل مقداد، بی تا: ۱/۳۸۶)

در میان اهل سنت نیز درباره کافر یا مسلمان بودن باغیان دو رأی وجود دارد؛ گروهی از اهل حدیث، بغاتی همچون خوارج را مرتد و کافر می‌دانند. (ابن عابدین، بی تا: ۴/۴۲۲؛ ابن قدامه: ۱۳۸۸ق: ۱۰/۵۰-۴۹؛ الجزیری: ۱۴۲۴: ۵/۴۱۸)

همچنین بسیاری از فقیهان اهل سنت مانعان حق واجبی از حقوق حکومت همچون زکات را جزو باغیان دانسته‌اند. (ابن عاشور، ۱۴۲۱: ۲۶/۲۴۰؛ الجزیری: ۱۴۲۴: ۵/۴۱۸؛ ابن قدامه: ۱۳۸۸ق: ۱۰/۴۹) و در مواردی به ارتداد آنان حکم کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۳۳۷؛ شافعی، ۲۰۰۹ م: ۴/۲۲۷)، لیکن بیشتر فقیهان اهل سنت با استناد به آیه ۹ حجرات و نیز برخی روایات که گروه باغی را





مؤمن شمرده است، همه باغیان را مسلمان می‌دانند. (شافعی، ۲۰۰۹م: ۴/۲۲۷؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ق: ۱۰/۴۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۶/۲۴۱) بنابراین حسب نظر مشهور فقهای مسلمان، اگر غیر مسلمان در قالب جنگ نرم مرتکب جرم بغی شود از ذیل عنوان مجرمانه بغی خارج است.

۲. دارای قدرت کافی باشد: در خصوص جرم بغی و باغیان وجود قدرت یکی از شرایط مهم باشد. باغیان باید به حدی از قدرت و شوکت دارا باشند که حاکم اسلامی بدون استفاده از نیروی نظامی کافی، در صورت استفاده از سلاح، نتواند آنان را سرکوب کند، زیرا اگر حاکم بتواند از راه دیگری شرارت آنان را دفع نماید حق ندارد از راه نظامی آن‌ها را دفع نماید.

در خصوص جنگ نرم با توجه به تعاریف و شرایطی که فوق بیان گردید مفهوم قدرت از اجزا و ارکان اصلی در جنگ نرم است. یکی از تلافی‌های مهم برای اینکه افراد مشارکت‌کننده در جنگ نرم را باغی بنماییم، وجود قدرت است. قدرت نرم یکی از ویژگی‌های مهم با مؤلفه‌های مندرج در مفهوم جنگ نرم است. این قدرت با توجه به شرایط امروزی آن در استفاده از ابزارهای روز و مدرن برای ایجاد شبهه در مقبولیت و مشروعیت نظام اسلامی بدون شک یکی از ویژگی مهم برای محسوب نمودن استفاده‌کنندگان به عنوان باغی است. این قدرت نرم بایستی به منصفه ظهور برسد. در واقع به صورت یک فعل خارجی بروز نماید. مسلماً این قدرت نرم در شرایطی ممکن است به نقطه‌ای منتهی شود که قدرت سخت ظهور می‌یابد؛ به عبارت دیگر، قدرت نرم زمینه ساز قدرت سخت است.

فقهای شیعه غالباً بر این توافق دارند که وجود قدرت و شوکت لازمه تحقق این جرم است. فقهای چون شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا: ۷/۲۶۴) و ابن ادریس حلی (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲/۱۵) بر این امر تأکید کرده‌اند. هر چند علامه حلی بعد از بیان فوق الذکر از شیخ طوسی و ابن ادریس حلی می‌فرماید: «این شرط در نزد من قابل قبول نیست». (حلی، ۱۴۲۷: ۲/۱۵۵) مفهوم قدرت اگر بنا به نظر علامه حلی حتی از شرایط باغی ندانیم. اما به نظر می‌رسد منظور از قدرت در بیان فقهای فوق لزماً قدرت، سخت‌افزاری نیست. شوکتی که در زبان فقها فهم و درک

می‌شود، نحوی از شوکت و همینه است که در دل رقیب ایجاد رعب نماید و لازمه مقابله را فرض بداند. حال این قدرت می‌تواند سخت یا نرم باشد. در هر صورت اعمال قدرت، موضوعی است که نیازمند ابزارهای خاص خود است و به نظر می‌رسد باغیان برای تحقق اهداف خود نیازمند هر دو نوع قدرت هستند و منحصر کردن قدرت به قدرت سخت، به نظر قابل تردید است.

۳. گروهی باشد: گروهی بودن یا جمعی بودن شورش و قیام، یکی دیگر از شرایطی است که به رکن مادی و نحوه ارتکاب عمل توسط اشخاص مربوط می‌شود، و لذا در صورتی که شخصی به طور فردی شورش و قیام کند باغی محسوب نمی‌شود؛ حتی اگر تعداد زیادی از افراد هر یک به طور جداگانه و بدون ارتباط با یکدیگر دست به قیام علیه حکومت بزنند باز هم مجموع همه آنها نمی‌تواند به وجود آورنده بغی باشد، بلکه جرم مزبور احياناً از مصادیق محاربه یا افساد فی الارض تلقی خواهد گردید. (زینلی: ۱۳۷۸: ۱۸۷)

به نظر می‌رسد جرم بغی بیان شده در گفتار و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام بر عمل جمعی و گروهی عنوان می‌گردد و همچنین با توجه به حدیث نبوی در خصوص عمار یاسر که فرمودند: «عمار را گروهی باغی خواهند کشت» (ابن بابویه، بی‌تا: ۶۳/۲) که از واژه «فتنه باغیه» استفاده شده است، این نظر را صائب‌تر و به واقع نزدیک‌تر می‌نماید.

در جنگ نرم نظر به اینکه هدف، ضربه به مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی حاکم است، بنابراین به دنبال جمع آوری نیرو و در حداکثریت ممکن هستند. هر چقدر میزان جذب شده نیرو به سمت مرتکبین جنگ نرم بیشتر باشد به منزله این است که از مقبولیت نظام سیاسی حاکم کاسته شده است. اصولاً ظهور جنگ نرم در خارج (عنصر مادی) به صورت جمعی و گروهی اتفاق می‌افتد، البته جمعی بودن به معنای یک اقدام مسلحانه جمعی علیه حکومت است و نه اینکه عده‌ای در پشت ابزارهای الکترونیکی خود بنشینند و هم نظر و هم‌رأی با هم در خصوص سرنگونی حکومت سیاسی گفتگو یا پیامی ارسال کنند.





در این خصوص سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا در یک گروه باغی همه افراد مشمول جرم بغی می‌شوند یا اینکه صرفاً افراد مسلح گروه مشمول مجازات خواهند بود؟ در یک گروه معمولاً علاوه بر افرادی که در خط مقدم بوده و مسلحانه علیه حکومت وارد جنگ می‌شوند افرادی دیگری به مانند پشتیبان‌های مادی و معنوی و محرکینی وجود دارند که به وقوع چنین جرایمی یاری می‌رسانند. حال با فرض اینکه این افراد مستقیماً در جنگ مسلحانه شرکت نداشته‌اند این سؤال مطرح است که آیا بایستی به مانند هم گروه‌های خود مورد مجازات قرار گیرند یا خیر؟

در توضیح سؤال اخیر اینکه، به اعتبار اشخاص مداخله‌کننده در جرم بغی، می‌توان آنان را به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. دسته اول، گروه یا اشخاصی هستند که خارج از گروه باغیان می‌باشند و به شیوه‌های مشخصی به آنان یاری می‌رسانند، این افراد یا گروه‌ها از شمول عنوان باغی خارج هستند و نهایتاً شاید با وجود شرایط قانونی بتوان آنان را تحت عنوان معاونت در جرم بغی قرار داد؛
۲. دسته دوم، گروه یا اشخاصی هستند که در گروه باغیان قرار دارند و به آنان یاری می‌رسانند و تأثیر مستقیمی در وقوع جرم نداشته و صرفاً یاری‌دهنده هستند، مانند رانندگان و آشپزان. این اشخاص نیز به نظر می‌رسد در صورتی که به همین اقدامات بسنده کرده باشند و در خروج مسلحانه شرکت نکرده باشند، از دایره عنوان بغی خارج و تحت عنوان معاونت قابل مجازات هستند؛
۳. دسته سوم گروه یا اشخاصی هستند که در درون گروه بغی می‌باشند؛ هم به باغیان یاری رسانند و هم در خروج مسلحانه شرکت داشته‌اند. این اشخاص تحت عنوان بغی قابل مجازات هستند؛
۴. دسته چهارم گروه یا اشخاصی هستند که درون گروه بغی هستند و هر چند به صورت مباشرت در اقدام مسلحانه شرکت نکرده‌اند، ولی اقدامات مؤثر آنان



موجب شده خروج بر حکومت صورت بگیرد، مثل فرماندهان. برای اینکه بتوان این اشخاص را مجازات نمود یا خیر، نیاز به مذاقه و تأمل است.

در این خصوص چند نکته قابل ذکر وجود دارد؛ اولاً اقدامات صورت گرفته در قالب جنگ نرم غالباً به صورت معاونت می‌باشد، یعنی مستقیماً در عملیات مادی جرم بغی شرکت نکرده‌اند. اغلب فقها تعریف اصطلاحی معاونت در گناه را به معنای ایجاد مقدمه گناه تعریف کرده‌اند (قیاسی: ۱۳۹۰: ۱۳۹-۱۶۶)

نظر به موارد فوق و مطالب پیش گفته، اولاً باغیان بایستی مستقیم اسلحه به دست گرفته و وارد جنگ با حکومت شوند، بنابراین میان کسانی که به نحوی معاونت در وقوع جرم دارند با کسانی که مباشر در جرم بغی هستند، تمایز وجود دارد. ضمناً عدالت قضایی نیز حکم می‌کند با افرادی که مستقیماً در عملیات مادی شرکت نکرده‌اند، بایستی متفاوت رفتار نمود.

ثانیاً اشخاص حاضر در گروه مجرمانه باغیان به دو صورت قابل تصور است؛ یا دارای فرماندهی مشخصی است (فتحی بهنسی، بی‌تا: ۹۰/۱) یا بدون فرمانده اقدام به جرم بغی می‌نمایند. (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۱۵۵) در صورتی که فرماندهی یا اعضای گروه دستور به اقدام مسلحانه بدهد و خود مستقیماً در جنگ مسلحانه شرکت نکند، آیا می‌بایست مانند یک معاون با آنان رفتار نمود یا از مباشرین جرم است؟ بدون شک میان مفهوم مباشرت و معاونت تفاوت‌های آشکاری وجود دارد، ولی وقتی صحبت از گروه مجرمانه به میان می‌آید اعمال گروه، به شکل واحد نمود بیرونی می‌یابند و در نتیجه تفکیک این اعمال به آسانی در گروه مجرمانه میسر نیست. برای این تفکیک می‌توان از نظریات چون نظریه عینی یا ذهنی صحبت به میان آورد. (سبحانی و باقری، ۱۳۹۹: ۱۳۵)

نظر به نواقصی و انتقاداتی که حقوق‌دانان نسبت به این نظریات بیان نموده‌اند (قیاسی و ساریخانی، ۱۳۹۵: ۲۹) به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن تمایز میان مباشر و معاون، مرتکب اصلی را نبایستی محدود به شخصی دانست که جرم را به طور مستقیم مرتکب شده است، بلکه مبتنی بر نظریه کنترل، مجازات بغی



شامل اشخاصی که علی‌رغم عدم حضور در صحنه ارتکاب جرم (اقدام مسلحانه) بر ارتکاب آن کنترل و رهبری دارند هم می‌شود، زیرا آن‌ها هستند که تصمیم به ارتکاب و چگونگی ارتکاب جرم گرفته‌اند و چنین اشخاصی هستند که در طی مسیر مجرمانه بر وقوع فعل رهبری داشته و به نحوی کنترل مجرمانه فعل بر عهده آن‌هاست.

با در نظر گرفتن این دیدگاه می‌توان افرادی را که در یک گروه مجرمانه نسبت به مصادیق جنگ نرم اقدام می‌نمایند، حتی در حالتی که در محل وقوع جرم نیستند نیز مشمول مجازات بغی دانست. ثالثاً بر اساس ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همه افراد گروه بغی را که اقدام به قیام مسلحانه علیه اساس نظام نموده‌اند مشمول مجازات می‌داند. به عبارت دیگر بر اساس این ماده چنانچه گروهی بغی اقدام مسلحانه‌ای انجام دهد و در این گروه اشخاصی نقش تبلیغاتی یا رانندگی یا آشپزی را داشته باشند، بدون آنکه در اقدام مسلحانه گروه نقش داشته باشند مشمول مجازات اعدام خواهند بود. در حالی که بغی فقهی میان افراد مداخله کننده تفاوت قائل است و بر اساس اینکه شخص معاون باشد یا مباشر، مجازات‌های متفاوتی اعمال می‌شود. صدق این ادعا را بایستی در نحوه برخورد حضرت علی علیه السلام با بغات جستجو کرد. (حسن زاده: ۱۳۹۲: ۱۱۸-۹۱)

از این منظر، کسانی که در قالب یک گروه، جنگ نرمی را علیه حکومت اسلامی اعمال نمایند، در صورتی که اقدام به قیام مسلحانه نمایند، یعنی مباشرتاً در وقوع جرم بغی مشارکت نمایند، باغی هستند و در صورتی که مستقیم در قیام مسلحانه نباشند نمی‌توان احکام مباشرین جرم بغی را بر آنان لحاظ نمود، در حالی که بر اساس ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در صورتی که گروه قیام مسلحانه نماید و اشخاصی در گروه عضو باشند، اعم از اینکه اقدام مسلحانه نمایند یا خیر، مشمول مجازات اعدام خواهند بود.

نتیجه:

هدف جنگ نرم تصرف قلوب و اذهان مردم برای تحمیل خواسته‌ها می‌باشد. جنگ نرم محصول یک فرایند آرام و تدریجی و بسیار پیچیده است که با لایحه‌های فکری متعدد روانشناسی، سیاسی و اجتماعی در هم تنیده شده و در امتداد خط باریک حق و باطل در حرکت است. جامعه هدف جنگ نرم بسیار فراگیر و دارای هیچ محدوده سنی نیست و هدف آن فروپاشی نظام هدف و یا تغییر اولویت‌ها و یا دگرگونی اهداف آن نظام است.

با بررسی ادله و نظرات فقها در خصوص جرم بغی به نظر می‌رسد که جنگ نرم در برخی صور می‌تواند مشمول عنوان مجرمانه بغی قرار گیرد. در آیات قرآن و همچنین برخی روایات، هر چند در ظاهر، در تطبیق عناصر و شرایط جرم بغی با جنگ نرم تفاوت‌های دیده می‌شود، ولی مذاقه در اقوال فقها و مفسرین و شرایط و ارکان جرم بغی در صورتی که شخصی در گروه مجرمانه مرتکب جنگ نرم شود و در قیام مسلحانه شرکت نماید مشمول مجازات بغی خواهد بود و یا در حالتی که فرماندهان بغات که از طریق جنگ نرم نسبت به تحریک نیروها اقدام می‌نمایند حتی اگر در خروج مسلحانه نیز شرکت نمایند، براساس «نظریه کنترل» به عنوان باغی قابل مجازات می‌باشند. لازم به ذکر است در میان اشخاصی که در جنگ نرم شرکت نموده‌اند، برخی از دایره شمول بغی خارج هستند؛ اشخاصی که منفرداً نسبت به جنگ نرم اقدام نموده و حتی اگر نسبت به خروج مسلحانه نیز اقدام کرده باشند و اشخاصی که در گروه بغی نسبت به مصادیقی از جنگ نرم اقدام نموده، ولی در خروج مسلحانه شرکت ننموده‌اند.



منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- احمدزاده کرمانی روح الله (۱۳۸۸)، «درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات بسیج، س ۱۲، ش ۴۳.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، الخصال، ج ۱، قم: نسیم کوثر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، تهران: جهان.
- ابن ادریس حلی (۱۴۱۰)، السرائر، ج ۲، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶)، المهدب، ج ۱، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- انصاری محمد مهدی (۱۳۸۶)، «جنگ نرم آمریکا علیه ایران؛ چیستی و چرایی»، سایت بانک اطلاعات نشریات ایران.
- ابن عابدین (بی تا)، حاشیه رد المحتار، ج ۴، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ابن قدامه (۱۳۸۸)، المغنی، ج ۱۰، قاهره: المكتبة القاهره.
- ابن عاشور (۱۴۲۱)، التحریر و التنویر، ج ۲۶، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- انصاری، شیخ مرتضی (بی تا)، مکاسب محرمة، ج ۲، تبریز: [آبی نا].
- امام الشافعی (۲۰۰۹)، کتاب الام، ج ۴، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- بحرانی، شیخ یوسف (بی تا)، الحدائق، ج ۳، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- برازش علیرضا (۱۳۹۶)، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۴، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بجنوردی سید میرزا حسن (۱۳۸۹)، القواعد الفقهیه، ج ۱، نجف اشرف: مطبعة الاداب.
- جلال پور، شهره، پای فرد، کیانوش و محمد فلاح (۱۳۹۵)، «واکاوی سازکارها و اهداف جنگ نرم»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ش ۱۴.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۷)، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة (ط - القديمة)، ج ۲، مشهد: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- _____ (۱۴۱۹)، تذکرة الفقهاء، ج ۹، چ ۱، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام.

- حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۲)، «نحوه برخورد با بُغات در فقه با تکیه بر قرآن کریم»، سراج منیر، س ۴، ش ۱۲.
- سبحانی، مهین و نادیا باقری (۱۳۹۹)، «ماهیت و انواع مسئولیت معاونت در دیوان‌های بین‌المللی کیفری»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۲، ش ۲.
- سبزه‌علی‌گل، بهمن، آهنگران، محمد رسول و محمود قیوم زاده (۱۴۰۱)، «مشروط‌انگاری تحقق جرم بغی به قیام مسلحانه در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی در ترازوی نقد»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۸، ش ۶۸.
- شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۱۰)، اللّمة الدمشقیة، ج ۲، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللّمة الدمشقیة، ج ۲، چ ۱، قم: داورى.
- حسین‌نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۸)، «بررسی فقهی بغی در فضای مجازی»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، س ۱۵، ش ۵۵.
- خوئی، سید ابوالقاسم (بی‌تا)، منهاج الصالحین، ج ۱، قم: موسسه الخوئی الاسلامیه.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰)، مکاسب محرّمه، چ ۳، قم: اسماعیلیان.
- خلیلی رضا (۱۳۹۴)، «تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی ایران؛ در جستجوی چارچوبی تحلیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۷۹.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، الصحاح، بیروت: دار العلم.
- فاضل مقداد، جمال‌الدین مقدادبن عبدالله سیوری (بی‌تا)، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- فاضل‌آبی، حسن (۱۴۱۷)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، چ ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عبداللهی، عابدصمد و فاطمه وجدی (۱۳۹۲)، «بررسی جنگ نرم در آیات قرآن»، مطالعات تفسیری، س ۴، ش ۱۵.
- کاشف الغطاء جعفر (۱۳۸۰)، کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء، ج ۴، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- راوندی، سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۵)، فقه القرآن، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجدی.
- زینلی محمد رضا (۱۳۷۸)، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی و مطالعه تطبیقی، چ ۱، تهران: امیر کبیر.





- زحیلی وهبه (۱۴۱۸)، المنیر، ج ۲۶، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۱)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه احمد بهشتی و دیگران، ج ۱۱، تهران: فراهانی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، تهران: المكتبة المرتضوية.
- _____ (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، ج ۴، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۴۰۷)، الخلاف، ج ۵، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة.
- عیوضی، محمدرحیم، دامیار محمود و ایوب دامیار (۱۳۹۵)، «مبانی جنگ نرم در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه حبل المتین، س ۵، ش ۱۴.
- عبدالرحمن الجزیری (۱۴۲۴)، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قیاسی، جلال الدین (۱۳۹۰)، «معاونت در جرم از دیدگاه فقه اسلام»، پژوهش های حقوقی، س ۳، ش ۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، ج ۵، ج ۱، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
- ماه پشانیان، مهسا (۱۳۸۶)، «راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی، تخصصی عملیات روانی، س ۵، ش ۱۸، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۲۲، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- محدث نوری، میرزا حسین (بی تا)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام الاحیاء التراث.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، بحار الأنوار، ج ۲۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیة، قم: مؤسسة النشر الاسلامیة.
- محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۴۱۳)، مختصر النافع، قم: بعثت.
- محقق اردبیلی (بی تا)، زیادة البیان، قم: مكتبة المرتضوية.
- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۱)، حقوق کیفری در اسلام، تهران: انتشارات المهدي.

- میرخلیلی سیداحمد، کلانتری خلیل آباد، عباس و محمد نظری ندوشن (۱۳۹۵)، «چالش های میان بغی فقهی و قانونی»، دیدگاه های حقوق قضایی، ش ۷۵ و ۷۶.
- نراقی، احمد (۱۳۷۵)، عوائد الایام، قم: دفتر تبلیغات.
- نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، «درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم»، فصلنامه راهبردی دفاعی، س ۸، ش ۲۸.
- نوروزی، محمد (۱۳۹۱)، دست در دست صبح، قم: دفتر نشر معارف.
- نجفی، شیخ محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی